تفاوت آگاهی و درک در گیاه با عکس‌العمل در معدنیات

شاگرد: حس به‌معنای درک منظور است؟ چون در اینجا حس به‌معنای درک است؛ درک حسی. به آن معنایی که شما می‌گویید الآن در آب هم گفته‌اند که هست.

استاد: در آب، درک را نگفته‌اند. می‌گویند در نظم آرایش مولکولی آن‌ها تأثیر می‌گذارد.

شاگرد: از این تأثیر می‌پذیرد. خُب آن هم می‌تواند تأثیر بپذیرد.

استاد: آن مانعی ندارد؛ در آب می‌تواند مکانیکی باشد. در آب می‌تواند چیزهایی بدون این‌که دخالت چیزهای دیگری باشد، نظم مکانیکی پیدا کند. به خلاف این‌که حس کند و تشخیص بدهد. مثل موش که وقتی گربه را می‌بیند دو کار انجام می‌دهد؛ اول گربه را حس می‌کند، دوم فرار می‌کند و عکس‌العمل نشان می‌دهد.

شاگرد: می‌فرمایید در گیاه درک هست اما در آب درک نیست؟

استاد: در آن هم نمی‌گویم نیست.

شاگرد: پس این بحث را باید تا غیرانامی تعمیم بدهید.

استاد: نه، ببینید در گیاه به‌عنوان جسم انامی یک چیزی دارید که در آب ندارید. آن چیست؟ یک بانک اطلاعات است. وقتی شما در محدوده آب می‌روید، H_2O دارید، اما بانک اطلاعات ندارید. اما وقتی در یک سلولی می‌روید که DNA دارد، تفاوت می‌کند؛ همه سلول‌های گیاهی هم DNA دارند. در این سلول‌های گیاهی، شما با یک بانک اطلاعات روبرو هستید. حالا بعداً برای پایه‌محور، شرط دیگری را می‌خواهم اضافه کنم. شما با این روبه‌رو هستید. شما از کجا می‌گویید اگر آب می‌بیند، با گیاه یکی است؟! نه، الآن این گیاه یک چیز اضافه‌ای دارد. مهم است؛ اطلاعاتی است که تفاوت‌ها را روی اطلاعاتی که خداوند از روز اول به او داده، دارد. اطلاعاتی است که ما فعلاً نمی‌دانیم چیست.

می‌خواستم تفاوت را بگویم؛ الآن گیاه از اطلاعاتی برخوردار است که در آب نیست. اما این‌که چرا آب به آن صورت می‌شود، در آن حرفی ندارم. «وَإِن مِّن شَيْءٍ إِلَّا يُسَبِّحُ بِحَمْدِهِ وَلَٰكِن لَّا تَفْقَهُونَ تَسْبِيحَهُمْ»[1]. اصلاً «الوجود یساوق الحیاة»، این‌ها بحث‌هایی است که گفته‌اند و من در آن‌ها مشکلی ندارم. فعلاً در یک فضایی هستیم که انواع حیات و پایه‌ها را بررسی می‌کنیم. درجایی‌که پایه آب را می‌بینید، یک فضای سه بعدی است. وقتی شما H_2O می‌گویید، اصلاً نیازی به محور t ندارید. در ذهنتان نگاه کنید، آب چیست؟ H_2O است، خُب در چه زمانی؟ در چه فرآیندی؟ فرآیند نمی‌خواهد. درست است که هر چیز فیزیکی - به‌خصوص با بحث‌های نسبیت - در یک فضا-زمان قرار گرفته. فضا-زمان یعنی شما نمی‌توانید محور t را جدا کنید، ولی همان بحث نسبیت با این چیزی که الآن مقصود من است، منافاتی ندارد. من می‌گویم وقتی شما آب می‌گویید، در تکونش، دخالت زمان را انتظار ندارید. اما وقتی می‌گویید نمو، از آن زمان را انتظار دارید. این اندازه کافی است. حالا

این‌که حیات آب به چه صورت است و مباحث دیگرش، هیچ مشکلی نیست. حتی در ذره‌ترین ذرات کوانتومی، هوش و شعور را مطرح می‌کنند و امروز دارند از آن‌ها بحث می‌کنند. به‌عنوان یک بحث فیزیکی، در ریزترین ذره کوانتومی شعور را مطرح می‌کنند و می‌گویند متخذ از شعور کیهانی است.

یکی از چیزهایی که جالب است، این است که در فضای علم با روش علمی –همان تعبیری که دیروز آقا «Science» می‌گفتند- با شعور کیهانی مواجه هستید. خود فیزیکدان‌ها می‌گویند، نه این‌که روان‌شناس‌ها یا فیلسوف‌ها بگویند. این خیلی جالب است که یک فیزیسین این حرف‌ها را بزند. به این توجه کنید. خیلی تفاوت کار است که او در رشته خودش و در فضای علمی خودش با همان روش خودش، این حرف‌ها را مطرح می‌کند. علی ای حال من منافاتی نمی‌بینم. چیزی که می‌خواهم عرض کنم، این است که فعلاً تفاوت‌ها را ببینیم، نه اشتراکات در اصل یک معنای وسیع را.

---

[1] الاسراء ۴۴

بازبینی #3
ایجاد شده 12 سپتامبر 2024 12:57:46 توسط ... .
به روزرسانی شده 6 فوریه 2025 10:59:44 توسط ... .